

The effectiveness of teaching spiritual intelligence skills on reducing burnout and academic self-regulation in students participating in Quran and Atrat competitions

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Seyedeh Fatemeh Tabatabaee^{1*}

How to cite this article

Tabatabaee Seyedeh Fatemeh, The effectiveness of teaching spiritual intelligence skills on reducing burnout and academic self-regulation in students participating in Quran and Atrat competitions, *Journal of Quran and Medicine*. 2023; 8(1): 79-87.

1. Associate Professor, Department of Theology, Faculty of Law and Theology, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran, (Corresponding Author)

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: Fatabatabaee@uk.ac.ir

Article History

Received: 2023/01/04
Accepted: 2023/06/03

ABSTRACT

Purpose: A dangerous drug is a drug that can lead to death, permanent illness, loss or impairment of one of the user's senses or organs, or lead to an injury that takes less or more than a month to treat. Despite the danger of arbitrary consumption of such drugs and the prohibition of selling them without a doctor's license and prescription in Iran's relevant laws, its trade can be seen at the country level. Therefore, by rejecting the divine decree in order to strengthen the implementation of the laws and as a deterrent, it will help in solving the problems of the Islamic society.

Materials and methods: In this research, with a descriptive-analytical method, an attempt is made to infer the mandatory ruling of selling dangerous drugs without a doctor's prescription from the perspective of Imamiyya jurisprudence. In this regard, the content of the concepts is systematically described objectively and qualitatively. The method of collecting library materials and the collection tool is mainly extracting from books and using articles, reliable internet sites as well as using jurisprudential software.

Findings: By researching the opinions of several contemporary Imamiyya jurists, it can be seen that the sale of dangerous drugs without a doctor's prescription is not permitted.

Conclusion: The result indicates that by quoting verses and hadiths referring to the necessity of obeying the laws, the sanctity of induction of putting oneself in danger of destruction and obligation of self-preservation, as well as the juridical rules, including the rule of repelling probable harm, no harm, the obligation to maintain order and the sanctity of disrupting the government and the rule of Nafy Sabil (denying the domination of unbelievers over believers), to sell the dangerous drugs without a doctor's prescription is not permissible.

Keywords: Mandatory ruling, Sales, dangerous drugs, without a doctor's prescription "

حکم تکلیفی فروش داروی خطرناک بدون نسخه

پزشک از منظر فقه امامیه

سید فاطمه طباطبایی*

دانشیار، گروه الهیات، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (نویسنده مسئول).

چکیده

هدف: داروی خطرناک، دارویی است که می تواند منجر به فوت، مرض دائم، فقدان و یا نقص یکی از حواس و یا اعضاء مصرف کننده و یا منتهی به صدمه ای گردد که معالجه آن کمتر و یا بیشتر از یک ماه به طول انجامد. علی رغم خطر آفرین بودن مصرف خودسرانه چنین داروهایی و نیز ممنوعیت فروش آن بدون مجوز و نسخه پزشک در قوانین موضوعه ایران، معامله آن در سطح کشور قابل مشاهده است. بنابراین تخریب حکم الهی در جهت تقویت اجرای قوانین و به عنوان عامل بازدارنده، معاصدی در رفع معضلات جامعه اسلامی خواهد بود.

مواد و روش ها: در این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی سعی بر آن است که حکم تکلیفی فروش داروی خطرناک بدون نسخه پزشک از منظر فقه امامیه استنباط گردد. در این راستا محتوای مفاهیم به صورت نظام دار مورد توصیف عینی و کیفی قرار می گیرد. شیوه گردآوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای و ابزار جمع‌آوری نیز عمدتاً فیش برداری از کتاب‌ها و استفاده از مقالات، سایت‌های معتبر اینترنتی و همچنین استفاده از نرم افزارهای فقهی می باشد.

یافته‌ها: با تحقیق در آراء چندی از فقهای معاصر امامیه قول به عدم جواز فروش داروی خطرناک بدون نسخه پزشک، قابل مشاهده است.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد با استناد به آیات و روایات دال بر وجوب اطاعت از قوانین، حرمت القای به تهلکه و وجوب حفظ نفس و همچنین قاعده دفع ضرر محتمل، لا ضرر، وجوب حفظ نظام و حرمت اخلال در نظام و نفی سیل، فروش داروی خطرناک بدون نسخه پزشک، جایز نمی باشد.

واژگان کلیدی: حکم تکلیفی، فروش، داروهای خطرناک، دون نسخه پزشک.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۳

*نویسنده مسئول: Fatabatabae@uk.ac.ir

مقدمه

داروی خطرناک، دارویی است که مخاطره آن می تواند فوت، مرض دائم، فقدان و یا نقص یکی از حواس و یا اعضاء مصرف کننده و یا

منتهی به صدمه ای گردد که معالجه آن کمتر و یا بیشتر از یک ماه به طول انجامد. علی رغم خطر آفرین بودن چنین داروهایی و نیز ممنوعیت فروش آن‌ها بدون نسخه پزشک، معامله آن در سطح کشور قابل مشاهده است. بنابراین در جهت تقویت قوانین موضوعه و به عنوان عامل بازدارنده در جامعه اسلامی تبیین حکم تکلیفی فروش داروی خطرناک از منظر فقه امامیه ضروری می نماید تا در این راستا حکم الهی تنویر و در رفع این معضل کارساز باشد. در این زمینه تحقیق صالحی، سید مهدی، علی عسکری، ابراهیم، جعفرزاده، سیامک (۱)، بررسی مسؤلیت ناشی از اخفای مضرات دارو و نقش قاعده تحذیر و نیز تحقیق احسانی فر، احمد (۲) ابعاد فقهی و حقوقی بیماری‌های واگیردار خطرناک و سریع الانتشار از منظر قاعده وجوب دفع ضرر محتمل موجود است. همچنین تحقیق طباطبائی، سیده فاطمه (۳) حکم خرید و فروش داروهای دولتی خارج از سیستم نظارتی از منظر فقه شیعه موجود است که در آن حکم تکلیفی خرید و فروش داروهای دولتی خارج از سیستم نظارتی از منظر فقه شیعه مورد استنباط واقع شده است. لازم به ذکر است با عنایت به پیشینه تحقیقی در زمینه حکم تکلیفی فروش داروهای مخاطره آمیز بدون نسخه پزشک تحقیقی یافت نشد و تحقیقات مذکور با تحقیق پیش رو تفاوت دارد. بنابراین حکم تکلیفی فروش داروهای خطرناک بدون نسخه پزشک مورد استنباط قرار می گیرد و با روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخگویی به سوالات ذیل می باشد:

الف- حکم فروش داروی خطرناک بدون نسخه پزشک در حقوق ایران چیست؟

ب- حکم تکلیفی فروش داروی خطرناک بدون نسخه پزشک از منظر فقه امامیه چه می باشد؟

۱- حکم فروش داروی خطرناک بدون نسخه پزشک از منظر حقوق ایران

مستفاد از قانون اصلاحی واردات و صادرات دارو که به طور مبسوط در ذیل می آید، داروی خطرناک، عنوان عامی است که شامل تمام داروهایی است که به علت ویژگی عناصر تشکیل دهنده آن، مصرف آن بدون دستور پزشک خطر آفرین خواهد بود و یا این که به علت عدم رعایت استانداردهای موجود در نظام دارو در ساخت آن، تقلب، منقضی شدن مدت مصرف، فساد، ترکیب با مواد خارجی و غیره، مصرف این نوع داروها موجب بروز خطر خواهد شد. مخاطره آن نیز می تواند فوت یا مرض دائم و یا فقدان و یا نقص یکی از حواس و یا اعضاء مصرف کننده یا منتهی به صدمه ای گردد که معالجه آن کمتر و یا بیشتر از یک ماه به طول انجامد.

طبق تبصره ۱ اصلاحی ۱۰/۱۲/۱۳۷۹، واردات و صادرات و خرید و فروش دارو بدون اخذ مجوز از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی جرم محسوب شده و مرتکب به مجازات مقرر در ماده ۳ محکوم و داروهای مشکوک به نفع دولت ضبط و در اختیار وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به منظور تعیین تکلیف (از نظر قابل مصرف و غیر قابل مصرف بودن) قرار خواهد گرفت. در تبصره

از دو سال تا ده سال و در صورتیکه منتهی به فوت نگردد ولی منجر به مرض دائم یا فقدان یا نقص یکی از حواس و یا اعضاء مصرف کننده گردد مجازات فروشنده یک سال تا سه سال حبس تادیبی خواهد بود - در صورتی که داروی تقلبی «سرم» یا «واکسن» یا «آنتی بیوتیک» و یا مواد غذایی مخصوص کودکان باشد مرتکب به حداکثر مجازاتهای فوق محکوم خواهد شد. ج- در موارد فوق مرتکبین علاوه بر کیفرهای مذکور به جریمه نقدی از پنج هزار ریال تا یکصد و پنجاه هزار ریال و همچنین پرداخت کلیه خسارات وارده به مدعی خصوصی و محرومیت از اشتغال به کسب مواد دارویی محکوم خواهند شد. در تبصره ۱ آن آمده است که تهیه کننده کسی است که خود تهیه و یا به دستور او داروی تقلبی ساخته می شود و مقصود از فروشنده متصدی مسئول است. تبصره ۲ بیان می دارد که کلیه کالاهای تقلبی پس از صدور حکم قطعی معدوم و کارگاهها و ابزار و اسباب و آلات تهیه مواد مزبور به نفع دولت ضبط خواهد شد. تبصره ۳ بر آن است که تحقیقات متهمین مزبور به فوریت و محاکمه آنها خارج از نوبت به عمل می آید و بازپرس در صورت کشف داروی تقلبی مکلف است قرار توقیف متهم را صادر نماید و در مورد متهمین مشمول بندهای (الف و ب) متهم تا خاتمه بازپرسی در توقیف باقی خواهد ماند حق اعتراض متهم به قرار توقیف خود طبق مقررات قانون آیین دادرسی کیفری محفوظ می باشد. بنا بر عرف و قانون داروسازان ملزم به ارائه اطلاعات ضروری و هشدارهای لازم به مصرف کنندگان دارو هستند (۱)، با عنایت به قوانین مذکور فروش داروی خطرناک بدون نسخه پزشک چه منجر به مخاطره برای مصرف کننده بشود و چه نشود جرم بوده و فروشنده مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

۲- حکم تکلیفی فروش داروی خطرناک بدون نسخه پزشک از منظر فقه شیعه

علی رغم صدور حکم ممنوعیت فروش داروی خطرناک بدون نسخه پزشک، آن چه که جای تحقیق و بررسی دارد تخریب و استنباط حکم شرعی فروش این داروهای مخاطره آمیز است چرا که در سطح جامع قابل مشاهده است. بنابراین لازم است با استناد به کتاب، سنت و قواعد فقهی، حکم فقهی آن تبیین گردد. در این مسأله چندی از فقهای امامیه قائل به عدم جواز می باشند و در این زمینه آیت الله خامنه ای فتوا داده اند بر این که فروش داروی خطرناک که مصرف آن ها عوارض شدید در بر دارد، بدون تجویز پزشک جایز نیست (۴). بعضی از فقهاء از قبیل آیت الله مکارم شیرازی فرموده اند: خرید و فروش داروهای غیر مجاز جایز نیست؛ و داروهایی که تاریخ آن گذشته، اگر مقدار قابل ملاحظه ای از آثار خود را داشته باشد و به طرف اعلام شود اشکالی ندارد، در غیر این صورت جایز نیست (۵). حکم به عدم جواز فروش داروی خطرناک بدون نسخه پزشک قابل استناد به ادله ذیل می باشد:

۲-۱ آیات و روایات

۲ اصلاحی ۱۳۷۹ اصلاحی ۱۰/۱۲/۱۳۷۹، قانون گذار متذکر شده است در صورتی که هر یک از مسئولین موضوع ماده ۳ و یا مسئولین مراکز ساخت، تهیه، توزیع و فروش دارو و تجهیزات و ملزومات پزشکی مبادرت به خرید و فروش غیر قانونی موارد فوق نمایند و یا از توزیع و ارائه خدمات خودداری و یا موجب اخلال در نظام توزیع دارویی کشور شوند علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۳ به محرومیت از اشتغال در حرفه مربوطه از یک تا ده سال محکوم خواهند شد. تبصره ۴ الحاقی ۱۳۶۷/۱/۲۳ بر آن است که چنانچه شرکتهای توزیع کننده داروهای فاسد یا داروهای با تاریخ مصرف کوتاه و یا منقضی شده که مخالف آیین نامه مصوب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی باشد، توزیع نمایند و یا دارویی را بیش از قیمت رسمی بفروش برسانند با رعایت شرایط و امکانات خاصی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب شرکت مربوطه علاوه بر جبران خسارات وارده به پرداخت جریمه نقدی از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال محکوم و پروانه مسئول فنی با توجه به رأی کمیسیون قانونی مربوطه از یک تا شش ماه به حالت تعلیق در خواهد آمد. همچنین ماده ۱۸ به صراحت جرایم فروش داروی خطرناک و مخاطرات آن را اعلام می دارد. در این ماده آمده است اشخاصی که در تهیه مواد دارویی به هر کیفیتی مرتکب تقلب شوند از قبیل آنکه جنسی را به جای جنس دیگر قلمداد نمایند و یا آن را با مواد خارجی مخلوط سازند و همچنین با علم به فساد و تقلبی بودن آن مواد برای فروش آماده و یا عرضه بدارند و یا به فروش برسانند و یا دارویی را به جای داروی دیگر بدهند به مجازاتهای ذیل محکوم خواهند شد: الف - در صورتی که استعمال مواد دارویی منحصرًا علت فوت باشد مجازات تهیه کننده اعدام است و در صورتی که یکی از علل فوت باشد مجازات تهیه کننده حبس دائم خواهد بود. ب- در صورتی که مواد مذکور منتهی به مرض دائم و یا فقدان و یا نقص یکی از حواس و یا اعضاء مصرف کننده گردد مجازات تهیه کننده حبس دائم خواهد بود. ج- هرگاه استعمال مواد مزبور منتهی به صدمه ای گردد که معالجه آن کمتر از یک ماه باشد مجازات تهیه کننده یک سال تا سه سال حبس تادیبی و هرگاه مدت معالجه بیشتر از یک ماه باشد دو سال تا ده سال حبس مجرد خواهد بود. د- هرگاه مصرف مواد مزبور منتهی به صدمه ای نگردد مجازات تهیه کننده یک سال تا سه سال حبس تادیبی خواهد بود. تبصره - در مورد بندهای (الف، ب، ج و د) هر یک از آماده کننده و عرضه دارنده و فروشنده به مجازات معادل همان جرم محکوم خواهد شد. ه- هرگاه داروی تقلبی آماده و عرضه شده و یا به فروش رسیده ولی مصرف نشده باشد مجازات هر یک از تهیه کننده و عرضه دارنده و فروشنده از ۶ ماه تا دو سال حبس تادیبی خواهد بود. هر کس داروی فاسد یا دارویی که مدت استعمال آن گذشته و یا دارویی را به جای داروی دیگر به فروش برساند و این عمل موجب بازماندن مصرف کننده از استعمال داروی اصلی باشد و در نتیجه معالجه نشدن منتهی به فوت گردد مجازات فروشنده حبس مجرد

با توجه به ممنوعیت قانونی استفاده از داروهای خطرناک و مخاطره آمیز بودن مصرف این داروها بدون نسخه پزشک با تعمق و تدبر در آیات قرآن کریم و روایات در این زمینه می‌توان با استناد به آن، حکم عدم جواز فروش داروی خطرناک را بدون نسخه پزشک تخریب نمود.

۲-۱-۱- آیات دال بر وجوب تبعیت از قوانین

آیات و روایات فراوانی در قرآن دلالت و تاکید بر تبعیت از فرامین الهی و نیز رعایت قانون و قانون مداری دارد که به چندی از آنان اشاره می‌شود:

بحث مشروعیت و ضرورت تبعیت از قانون از مباحث مهم و اساسی امور اجتماعی محسوب می‌گردد. از دیدگاه خداوند متعال فقط خالق هستی صلاحیت قانونگذاری مطابق مصالح و مفاسد انسان را دارد. خداوند در قرآن بعد از فرمان به اطاعت از امر الهی، اطاعت از امامان معصوم را در ردیف اطاعت از خدا و رسول قرار داده و آن را واجب دانسته است (۶/ نساء/ ۵۹). خداوند متعال اطاعت و تسلیم در برابر قانون را شرط تحقق ایمان می‌داند: "به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند" (سوره نسا / ۶۵). در آیه دیگر می‌فرماید: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید، و رسول و کارداران خود را- که خدا و رسول علامت و معیار ولایت آنان را معین کرده- فرمان ببرید، و هر گاه در امری اختلافتان شد برای حل آن به خدا و رسول مراجعه کنید، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید این برایتان بهتر، و سرانجامش نیکوتر است" (نساء / ۵۹). با توجه به آیات حکومت و قضاوت فقط یا از طرف امام باید باشد یا از طرف کسی که امام آن را تعیین نماید و در زمان غیبت این وظیفه بر عهده فقهای شیعه می‌باشد (۷). در روایت نیز چنین آمده است که امام صادق (علیه السلام) فرمود خداوند فرمود: پس خواستگاه هر کار که کار مردم باشد به اولی الامر آنها واگذار شده و دستور اطاعت و مراجعه به آنها داده شده است (۸).

با تدبر در آیات و روایات ضرورت تبعیت از قانون، گزینه ای است در کنار سایر انتخاب‌ها که دلایل قویتر و مستدل تری دارد (۹). بعضی از فقهای معاصر، حکم به عدم جواز خرید و فروش داروهای دولتی خارج از سیستم نظارتی را داده اند (۵)، زیرا مخالفت با قوانین کشور جمهوری اسلامی، خلاف شرع می‌باشد. در این زمینه بر این عقیده اند که در نظام جمهوری اسلامی ایران اطاعت از قوانین و مقررات دولت که به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسیده، نباید از این قوانین تخلف کنند (۱۰). بنابراین اطاعت از قوانین مدنی که مبتنی بر قوانین و احکام الهی است، قطعاً باید تحقق پذیرد؛ زیرا شارع مقدس قوانین و قواعدی را برای رشد و شکوفایی بشر الزامی دانسته و هرج و مرج، بی نظمی و مخالفت با این قوانین را در جامعه اسلامی نمی‌پذیرد و اخلاص به نظم و سلامت جامعه را بر نمی‌تابد. افراد جامعه موظف هستند از قوانین جاری در

جامعه اسلامی تبعیت نمایند. بنابراین خلاف مقررات جامعه اسلامی عمل کردن خلاف شرع خواهد بود. از آن جا که فروش داروی خطرناک بدون نسخه پزشک چه منجر به صدمه شود و چه نشود یعنی فارغ از نتیجه در قوانین جمهوری اسلامی ممنوع و جرم محسوب می‌شود و این معامله مخالفت صریح با قانون و مقررات دولت اسلامی دارد؛ بنابراین فروش داروی خطرناک بدون نسخه پزشک جایز نمی‌باشد.

۲-۱-۲- آیات دال بر حرمت القاء به تهلکه

خداوند متعال می‌فرماید: "خود را به دست خود به هلاکت نینکنید" (بقره/ ۱۹۵). هلاکت یعنی مشقت (۱۱) و آن مسیری است که انسان نمی‌تواند بفهمد در کجا واقع شده است و به کجا منتهی می‌شود. از آن جا که آیه شریفه مطلق است، در نتیجه نهی در آن نهی از تمامی رفتارهای افراطی و تفریطی خواهد بود (۱۲). تهلکه مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد که موارد زیادی را شامل می‌شود، از جمله اینکه انسان حق ندارد از جاده‌های خطرناک (چه از نظر نا امنی و چه عوامل جوی یا غیر آن) بدون پیش‌بینی‌های لازم بگذرد، یا غذایی که به احتمال قوی آلوده به سم است تناول کند و یا حتی در میدان جهاد بدون نقشه و برنامه وارد عمل شود، در تمام این موارد، انسان بی‌جهت جان خود را به خطر انداخته و مسئول است (۱۳). با توجه به اطلاق آیه و این که این آیه دلالت دارد بر حرمت اقدام بر آن چه که از آن بر نفس می‌ترسند (۱۴) می‌توان گفت یکی از مصادیق مستحدثه القای به تهلکه که از آن نهی شده است، استفاده از دارویی است که خطر و ضرر آن زیاد است و ممنوعیت آن به خاطر ترس از به خطر افتادن جان می‌باشد. همچنین بحث بر سر عوارض بعدی این داروها قابل توجه و اعتناء می‌باشد. در نتیجه فروش آن طبق آیه مورد نهی می‌باشد. در روایت آمده است: "وقوف در مواضع شبهه ناک بهتر از هلاکت افتادن می‌باشد" (۸). بنابراین جلوگیری کردن از فروش دارویی که احتمال افتادن در هلاکت را دارد امری سنجیده خواهد بود که مورد سفارش شرع است. شبهه آن چیزی است که ظاهری خوشایند و حق گونه دارد اما در واقع باطنی باطل دارد. در مواجهه با شبهه باید تأمل و وقوف و تحقیق نمود تا به هلاکت منتهی نشود. فروش داروی خطرناک احتمال واقع شدن انسان در القاء به تهلکه می‌باشد؛ لذا شایسته است که در آن وقوف پیشه شود. بنابراین معامله آن طبق آیه از مصادیق القای نفس به تهلکه است که خداوند متعال انسان را از آن نهی نموده است در نتیجه فروش آن جایز نمی‌باشد.

۲-۱-۳- آیات دال بر وجوب حفظ نفس

خداوند متعال می‌فرماید: "هان! ای کسانی که ایمان آوردید، اموال خود را در بین خود به باطل نخورید، مگر آن که تجارتی باشد ناشی از رضایت دهنده و گیرنده و یکدیگر را به قتل نرسانید، که خدای شما مهربان است. و هر کس از در تجاوز و ستم چنین کند به زودی او را در آتشی وصف ناپذیر خواهیم کرد، و این برای خدا آسان است" (نساء/ ۳۰). ظاهر این جمله نهی از این است که کسی خود

عنوان "باطل" که مفهوم وسیعی دارد قرار داده است (۱۳). نهی از معاملات ناقله از آن استفاده می‌شود، یعنی معاملاتی که نه تنها مجتمع را به سعادت و رستگاریش نمی‌رساند، بلکه ضرر هم می‌رساند، و جامعه را به فساد و هلاکت می‌کشاند. "باطل" در مقابل "حق" است و هر چیزی را که ناحق و بی‌هدف و بی‌پایه باشد در برمی‌گیرد در این آیه شریفه نهی از خوردن اموال به سبب باطل شده است. با این مضمون که اکل مال به باطل به هر روشی؛ مانند غش در معامله، رشوه، قمار و احتکار که مالی را خداوند اجازه نداده و معاملاتی که ضرر می‌رساند، از آن نهی شده است. عمومیت آیه نسبت به اکل مال به باطل روشن و بدیهی می‌باشد (۱۲). مستفاد از حدیث این است که مصداق اکل بالباطل در آیه را قمار دانسته است (۸)؛ یعنی مالی که از معامله قمار و مثل آن از معاملات حرام حاصل می‌شود، حرام می‌باشد. در نتیجه فروش داروی خطرناک در قوانین موضوعه ایران ممنوع شمرده شده است به علت احتمال خطر، ضرر و هتک حرمت مسلمان طبق این آیه شریفه مصداق مستحدثه اکل مال به باطل خواهد بود که خداوند متعال از آن نهی نموده است؛ بنابراین فروش آن جایز نمی‌باشد.

۲-۲- قواعد فقهی

قرآن کریم مهمترین و اصلی ترین منبع تشریح احکام شرعی محسوب می‌شود. "قرآن خود را مبین هر چیزی معرفی می‌نماید" (نحل/۸۹). بنابراین تمامی احکام مورد نیاز بشر را در خود جای داده و بیان کننده آن می‌باشد؛ قواعد فقهی نیز قواعد عام و کلی می‌باشند که مستخرج از قرآن در حوزه ی فقه ورود یافته اند که قیبه را در استنباط احکام شرعی یاری می‌رساند. بنابراین با استناد به قواعد فقهیه ذیل حکم فروش داروی خطرناک بدون نسخه پزشک استنباط شده است.

۲-۱-۲- قاعده وجوب دفع ضرر محتمل

قاعده وجوب دفع ضرر محتمل یکی از قواعد عقلی است که به موجب آن هرگاه انسان، احتمال ضرر در چیزی بدهد و یا عملی را موجب ضرر بداند به حکم عقل باید از آن پرهیز نماید تا از وقوع در ضرر و زیان محتمل، حفظ شود، در صورتی که به این احتمال اعتنا نشود و اقدام بر عمل مزبور نماید و متضرر شود، عقلاء قطعاً او را مزمت خواهند کرد. بنابراین گفته می‌شود دفع ضرر محتمل واجب است. در وجوب حفظ نفس به هر صورتی که امکان پذیر باشد و دفع ضرر مظنون از آن، بلکه هر ضرر احتمالی شکی نیست. همان طور که عقل به این مسئله حکم می‌نماید و متوقف بر آمدن دلیلی از شرع نمی‌باشد (۲۰). اما مستند قاعده علاوه بر عقل، قرآن و روایات نیز می‌باشد. در قرآن آمده است: "بگو مرا خبر دهید اگر فرضا این قرآن از ناحیه خدا باشد و شما به آن کفر ورزیده باشید در این صورت گمراهتر از خود سراغ دارید که در خلافتی ریشه دار قرار گرفته‌اید (فصلت/۵۲). مشاقه به معنای مخالفت است" (۲۱). مفاد آیه این است که: قرآن شما را به سوی خدا می‌خواند، و به

را بکشد، و لیکن وقتی در نظر بگیریم که پهلوی جمله: "اموال خود را در بین خود به باطل نخورید" قرار گرفته که ظاهر آن این است که همه مؤمنین را یک واحد فرض کرده که آن واحد، دارای مالی است، که باید آن را از غیر طریق باطل بخورد، ای بسا که اشاره به این معنا از آن استفاده شود و حتی دلالت کند بر اینکه مراد از کلمه (أنفس) تمامی افراد جامعه دینی باشد، و مانند جمله قبل همه مؤمنین را فرد واحدی فرض کرده باشد، به طوری که جان هر فردی جان سایر افراد است، در نتیجه در مثل چنین مجتمعی نفس و جان یک فرد هم جان خود او است، و هم جان سایر افراد، پس چه خودش را بکشد و چه غیر را، خودش را کشته، و به این عنایت جمله: "خودتان را نکشید"، جمله‌ای است مطلق هم شامل انتحار می‌شود- که به معنای خودکشی است- و هم شامل قتل نفس و کشتن غیر است (۱۲). مراد از این آیه هلاک کردن و مستحق عقاب گردانیدن نفس است به مخالفت اوامر و نواهی خدای تعالی زیرا که آن نیز حکم قتل نفس دارد (۱۵). خداوند باری تعالی انسان را نهی از القای نفس خود به مهالکی می‌نماید که بین متعاملین جاری است از قبیل ربا، خدعه، تغریر، تلبیس و غیر این‌ها از مکر و حیله تا از مرتبه اصلی و جایگاه حقیقی که عدالت و خلیفه الهی بودن است منحط نشود (۱۱). بنابراین با توجه به آموزه‌های قرآنی حفظ نفس عقلا و شرعا واجب است و انداختن نفس در هلاکت جایز نیست (۱۶). روایات پیرامون قصاص نیز دال بر حرمت نفس و وجوب حفظ آن است (۸). "کسی که به عمد مؤمنی را بکشد قصاص می‌شود، مگر اولیاء مقتول رضایت دهند..." (۸).

حکم وجوب حفظ نفس، امری است که عقل و وجدان به آن معترف است و از مستقلات عقلیه ای است که شارع نیز بر آن اهتمام ویژه دارد. اگر چیزی موجب ضرر به جان انسان شود خوردن آن و استعمال آن به حکم عقل و شرع قطعاً حرام خواهد بود. تطبیق مورد بحث با وجوب حفظ نفس امری روشن است. با توجه به احتمال خطر در مصرف داروی خطرناک و نیز ممنوعیت آن توسط قانون گذار، عقل و شرع حکم می‌کند که انسان جان خود را حفظ نماید و با مخالفت با آن نفس خود را به خطر نیندازد.

۲-۱-۴- آیه دال بر حرمت اکل مال به باطل

خداوند متعال می‌فرماید: "ای کسانی که ایمان آوردید اموالتان را بین خودتان به باطل نخورید" (نساء/۲۹). در این آیه خداوند تبارک و تعالی بیان می‌دارد که نباید اموال یکدیگر را از طریق حرام و غیر شرعی بخورید (۱۷؛ ۱۸). مراد از اکل مقابل شرب نیست بلکه مطلق تصرف (۱۹) و اهم و اتم تصرفات است (۱۵). این آیه در واقع زیر بنای قوانین اسلامی را در مسائل مربوط به "معاملات و مبادلات مالی" را تشکیل می‌دهد، و به همین دلیل فقهای اسلام در تمام ابواب معاملات به آن استدلال می‌کنند، آیه خطاب به افراد با ایمان کرده و می‌گوید: "اموال یکدیگر را از طرق نابجا و غلط و باطل نخورید" یعنی هر گونه تصرف در مال دیگری که بدون حق و بدون یک مجوز منطقی و عقلانی بوده باشد ممنوع شناخته شده و همه را تحت

بانک بلند اعلام می‌دارد که از ناحیه خداست، پس حد اقل، احتمال این را بدهید که در ادعای خود راست می‌گویید، چون همین که این احتمال عقلایی را بدهید، کافی است که به حکم عقل نظر کردن در امر آن برایتان واجب شود، زیرا عقل دفع ضرر احتمالی را هم واجب می‌داند، و چه ضرری خطرناکتر از هلاکتی ابدی که این قرآن شما را از آن هشدار می‌دهد؟ پس به حکم عقل دیگر معنا ندارد که به کلی از آن اعراض کنید (۱۲). برخی قاعده و جوب دفع ضرر محتمل یا مضمون را تنها در ضررهای اخروی؛ یعنی عقاب اخروی جاری دانسته اند و عقل را حائز حکمی در مورد دفع ضررهای محتمل دنیوی نمی‌دانند (۲۲). در مقابل اکثر فقهاء، بین ضررهای دنیوی و اخروی تفاوتی قائل نشده اند و دفع ضررهای محتمل دنیوی و اخروی را به حکم عقل مستقل واجب دانسته اند (۲۳). با توجه به دیدگاه غالب می‌توان ادعا نمود که این قاعده اقتضائات متعددی در حوزه احکام فردی، اجتماعی و حکومتی در بر خواهد داشت (۲). در حوزه اجتماعی، قاعده مزبور وظایفی را بر عهده حکومت و سازمان‌های اجتماعی قرار می‌دهد تا مانع بروز ضرر محتمل گردد. در سطح فردی نیز احکام متعدد حقوقی در حوزه رفتارهای شخصی و خانوادگی بر عهده تک تک افراد به منظور ممانعت از حدوث ضرر قرار می‌دهد. با احتمال خطر در مصرف داروهای خطرناک بدون نسخه، طبق قاعده به حکم عقل بدیهه دفع ضرر مظنون واجب است، بلکه بعضی می‌گویند: دفع ضرر محتمل (۲۴) بلکه موهوم نیز واجب است (۲۵). در نتیجه برای جلوگیری از ضرر احتمالی یا موهومی چه به معنای دنیوی باشد و چه اخروی، فروش داروی خطرناک بدون نسخه پزشک، جایز نمی‌باشد. ضرر محتمل دنیوی آن قابل اعتنا و مورد توجه عقلاء است و ضرر اخروی آن نیز که به جهت مخالفت با قوانین مشروع جامعه اسلامی است حاصل می‌شود، نیز بدیهی است.

۲-۲-۲- قاعده لا ضرر

یکی از مشهورترین قواعد فقهی که در بیشتر ابواب فقه مانند عبادات و معاملات به آن استناد می‌شود، قاعده لا ضرر است که مستند بسیاری از مسائل فقهی محسوب می‌شود (۲۶). مستند این قاعده آیاتی است از قبیل: "و چون زنان را طلاق دادید و بسر آمد مدت خویش رسیدند به شایستگی نگاهشان دارید، و یا به شایستگی رها کنید، و زنها را برای ضرر زدن نگاهشان ندارید که ستم کنید، هر کس چنین کند به خویش ستم کرده است، آیت‌های خدا را به مسخره نگیرید نعمت خدا را بر خویشتن با این کتاب و حکمت که بر شما نازل کرده و به وسیله آن پندتان می‌دهد و از خدا بترسید و بدانید که خدا به هر چیز دانا است" (بقره / ۲۳۱). غرض از آیه نهی از اضرار است (۲۱). همچنین روایاتی مانند: حدیث "ضرر و ضراری نیست" (۸) که در روایات متعددی از طریق شیعه و اهل سنت وارد شده است و همچنین عقل مدرک و مستند قاعده معروف «لا ضرر» می‌باشد. این قاعده در کلیه ابواب فقه کاربرد عملی بسیار دارد. از حیث مستند و مدرک کمبودی نیست بلکه ادله اربعه بر این امر

دلالت دارند (۲۷). در معنا کردن این حدیث میان فقهاء اختلاف است (۲۸). از این روایات و قاعده مستند از آنها برداشتهای مختلفی شده است و معانی مختلفی در تبیین دلالت آنها بیان شده است. فقهای عظام پنج وجه مهم را در مفاد جمله لا ضرر و لا ضرار ذکر کرده‌اند (۲۹). آن که مفاد حدیث لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام حاکی از آن است که شارع مقدس مکلفان را از زیان رساندن نهی کرده است (نهی تکلیفی)، مفاد قاعده لا ضرر نفی حکم به لسان نفی موضوع است، مفاد حدیث لا ضرر نفی حکم ضرری است، مفاد حدیث لا ضرر، نهی از ضرر غیر متدارک است و نهی در حدیث لا ضرر نهی سلطانی و حکومتی است. نظریه مختار، نظریه نفی مشروعیت مطلق ضرر مورد استناد قرار می‌گیرد. قاعده لا ضرر با توجه به نظریه نفی مشروعیت مطلق ضرر که متضمن احکام وضعی و تکلیفی و ضرر نوعی است، از هر ضرر و ضرر رساندن نفی شده است چه ضرر در مرحله تشریح و چه در محدوده روابط اجتماعی. هر عملی که موجب ضرر رساندن به غیر شود مورد تأیید شارع نمی‌باشد. بنابراین در صورتی که فروش داروی خطرناک بدون نسخه پزشک موجب ضرر به دیگران شود، صحت آن معامله توسط این قاعده نفی می‌شود. در نتیجه، فروش آن به علت وارد نمودن ضرر بر دیگران، طبق قاعده لا ضرر از آن نفی شده است و مشروع نمی‌باشد.

۲-۲-۳- قاعده و جوب حفظ نظام و حرمت اخلال در نظام

فقهاء به موضوع ضرورت حفظ نظام و منع اخلال در آن، به صورت قاعده فقهی به آن نپرداخته‌اند اما معنا و مبانی و آثار این قاعده، به اجمال و به صورت پراکنده در ابواب فقه موجود است و از آموزه‌های قرآن کریم می‌توان آن را استخراج نمود. خداوند متعال تنها قانون لازم الاجرا را در آیه "خدا را اطاعت کنید و رسول را اطاعت کنید و صاحبان امر از شما را (نساء: ۵۹)" تبیین نموده است. در قرآن کریم هدف از ارسال انبیا، اجرای حق و قانون می‌باشد آن جا که می‌فرماید: "ما این کتاب را بحق بر تو نازل کردیم تا به آنچه خداوند به تو آموخته در میان مردم قضاوت کنی و از کسانی مباش که از خائنان حمایت نمایی" (سوره نسا / ۱۰۵). در این آیات خداوند نخست به پیامبر ص توصیه می‌کند که هدف از فرستادن این کتاب آسمانی این است که اصول حق و عدالت در میان مردم اجرا شود (۱۳). برخی در تفسیر آیه گفته‌اند: از آن جا که در این سوره خداوند احکام و قوانین اجتماعی را بیان نموده است، به دنبال آن آورده است که خداوند جمیع این احکام را به حق نازل کرده است (۳۰) و این احکام جهت حفظ نظام زندگی بشر است و باید اطاعت شود. اگرچه فقهاء به طور مستقل درباره این قاعده بحث نکرده‌اند، ولی از سخنان آنان در موارد گوناگون به دست می‌آید که وجوب حفظ نظام جامعه، از مسلمات فقه است و آنچه سبب برهم ریختن نظام زندگی و معیشت جامعه می‌شود، ممنوع است و کارهایی که برای حفظ نظام جامعه ضرورت دارد، واجب است (۳۱). حفظ نظام اجتماعی بشر بدین بسته است که در میان ایشان قانونی باشد که همه آن را محترم شمرند و به حکومت آن

پسرها دو مقابل دخترها باید قرار داد. اما به مقتضای این قاعده که حکومت واقعیۀ بر ادلۀ اولیۀ دارد و نیز به موجب روایت نبوی که « و کفار مانند مرده اند نه مانع از ارث می‌شوند و نه خودشان ارث می‌برند» حکم اولی ابقاء می‌شود؛ یعنی قاعدۀ مذکور جلوی ارث کافر را می‌گیرد، در سایر اطلاقات و عموماً اولیۀ نیز هر جا که اطلاق و عموم سبب عزت کافر و ذلت و هوان مسلم شود این قاعده آن را نفی می‌کند (۲۹). فقها به این آیه استدلال کرده‌اند که خداوند حکمی را که موجب سلطه غیر مسلمان بر مسلمان شود وضع نکرده است (۳۵). بعضی از داروهای خطرناک از خارج از کشور به طور قاچاق و بدون اخذ مجوز از وزارت دارو وارد ایران می‌شود. استیلاء کافر در فروش داروهای خطرناک، به آن است که از این طریق سود مالی نموده و نیز جان مردم ایران بستری می‌شود برای آزمایش داروهای که نیاز به تست بر روی انسان دارد و این با عزت نفس مسلمان و سلامتی وی منافات دارد. همچنین با ایجاد هرج و مرج در نظام پزشکی ایران و سلامت آحاد مردم مقدمات زمینه تسلط و استیلاء آنان بر بلاد اسلامی هموار و مهیا می‌گردد. طبق آیه شریفه و قاعده مذکور، خداوند به کافر اجازه هیچ گونه تسلطی را نمی‌دهد. در تطبیق این قاعده بر بحث باید گفت معامله ای که به حسب طبع اولی‌اش اگر موجب استیلاء و تسلط کافر بر مسلمان بشود منتفی خواهد بود و اعتبار حقوقی ندارد. در فروش داروی خطرناک بدون مجوز، این معامله باعث استیلاء کافر بر مسلمان می‌شود؛ بنابراین فروش آن جایز نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

داروی خطرناک، دارویی است که به علت ویژگی عناصر تشکیل دهنده آن، مصرف آن بدون اشراف پزشک خطر آفرین خواهد بود و یا این که به علت عدم رعایت استانداردهای موجود در نظام دارو در ساخت آن، مصرف این نوع داروها موجب بروز خطر خواهد شد از قبیل داروهای فاسد، منقضی شده، فروش دارویی به جای داروی دیگر و یا غیره. مخاطره آن می‌تواند فوت یا مرض دائم و یا فقدان و یا نقص یکی از حواس و یا اعضا مصرف کننده یا منتهی به صدمه ای گردد که معالجه آن کمتر و یا بیشتر از یک ماه به طول انجامد. در حقوق ایران فروش داروی خط ناک بدون نسخه پزشک و مجوز ممنوع و جرم می‌باشد. با تحقیق در آراء چندی از فقهای معاصر امامیه قول به عدم جواز فروش داروی خطرناک بدون نسخه پزشک، قابل مشاهده است. از منظر فقه امامیه فروش داروهای خطرناک بدون نسخه پزشک با استناد به آیات و روایات دال بر وجوب پیروی از قانون، حرمت القای به تهلکه، وجوب حفظ نفس، حرمت اکل مال به باطل و همچنین قاعده دفع ضرر محتمل، لاضرر، وجوب حفظ نظام و حرمت اخلال در نظام و نفی سبیل، جایز نمی‌باشد.

از آن جا که قوانین جمهوری اسلامی باید مشروع باشد؛ لذا پیشنهاد می‌شود موضوعات مستحذثه بعد از تدقیق در موضوع شناسی، حکم فقهی آن نیز استخراج و استنباط گردد.

تن در دهند (۳۲). مراعات مقررات مشروعه دولت اسلامی که برای حفظ نظام کشور است لازم و اهانت به مسلمان معصیت است (۳۳). حفظ نظام یعنی حفظ آن چه که قوام جامعه به آن است. بنابراین طبق شرع و عقل حفظ نظام که محل رشد و کمال انسان است واجب می‌باشد و بر هم زدن قوام جامعه و ایجاد ضیق و هرج و مرج در آن حرام خواهد بود. با توجه به قاعده وجوب حفظ نظام و حرمت اخلال در آن می‌توان حکم به عدم جواز فروش داروی خطرناک بدون نسخه پزشک نمود، زیرا فروش آن با احتمال ضرر و خطر برای افراد جامعه بار مضاعفی بر جامعه و حکومت تحمیل می‌نماید که به حفظ نظام آسیب وارد می‌سازد و موجب اخلال در وضع سلامت افراد جامعه و به دنبال آن اخلال در نظام خواهد شد.

۲-۲-۴- قاعده نفی سبیل

قاعده نفی سبیل یکی از قواعد پر کاربرد است که در همه روابط فردی و اجتماعی مسلمانان و غیرمسلمانان حاکم می‌باشد. از نظر اسلام، استقلال دولت و ملت مسلمان عبارت است از عدم سلطه و حاکمیت کفار بر مسلمانان. بر اساس قاعدۀ معروف فقهی نفی سبیل، کافر هیچ نوع ولایت و سلطنت در عرصه‌های مختلف زندگی اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... بر مسلمان ندارد (۳۴). طبق این قاعده، در دین حکمی وجود ندارد که باعث تسلط کافر بر مسلمان شود. این قاعده از احکام ثانویه می‌باشد و بر احکام اولیه تقدم دارد؛ یعنی هر حکم اولیه‌ای که با آن منافات داشته باشد، باطل می‌شود. مهم‌ترین دلیل قرآنی قاعده نفی سبیل آیه: " خداوند هرگز بر زیان مؤمنان، برای کافران راه تسلطی قرار نداده است" (نساء/۱۴۱) می‌باشد. همچنین برای اثبات آن، به حدیثی استناد می‌شود که طبق آن "اسلام از هر چیزی برتر است" (۸). از آنجا که کلمه "سبیل" به اصطلاح از قبیل "نکره در سیاق نفی" است و معنی عموم را می‌رساند از آیه استفاده می‌شود که کافران نه تنها از نظر منطقی بلکه از نظر نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و خلاصه از هیچ نظر بر افراد با ایمان، چیره نخواهند شد (۱۳). باید گفت مطلق سبیل را می‌گیرد، لکن مفاد جعل، جعل تکوینی نیست؛ زیرا هم مخالف حس است بسا کفار غلبه پیدا می‌کنند و مخالف با نفس آیه است بلکه مراد جعل تشریحی است که هیچ گونه حقی خداوند بکفار نداده نه در دنیا و نه در آخرت و هر چه ظلم و اذیت نسبت به مؤمنین نمودند مسئول و معاقب خواهند بود هم عقوبات دنیوی و هم اخروی (۱۹). لسان قاعدۀ نفی سبیل، حکومت واقعی است بر ادلۀ اولیۀ؛ یعنی به مقتضای این قاعده هر عقد و پیمان و هر معامله و ایقاع و قراردادی به حسب طبع اولی‌اش اگر موجب علو و عزت و شرف کافر بر مسلم بشود منفی است و اعتبار حقوقی ندارد. بنابراین دلالت این قاعده حکومت واقعیۀ است بر ادلۀ اولیه. مثلاً آیه شریفه‌ای که می‌فرماید: « خداوند به شما نسبت به فرزندانان وصیت می‌کند برای پسر دو برابر دختر است » و یا سایر آیات ارث، عموماً اولیه هستند و فرق نمی‌گذارند و می‌گویند که اگر موروث چیزی برای وراثت خود گذاشت اعم از مسلم یا غیر مسلم برای

References

1. Salehi S M, Ali Asgari I, Jafarzadeh S. Study on Liability Arising from Concealing Drug Disorders and Role of Warning Principle. MLJ 2017; 11 (41) :7-33. (Persian)
2. Ehsanifar, A.. 'Jurisprudential and Legal Dimensions of Infectious Diseases from the Perspective of the Rule of Obligation', Islamic Law. 2020; 17(64), pp. 143-172. (Persian)
3. Tabatabai S F. Ruling on Buying and Selling Government Drugs Outside the Regulatory System from the Perspective of Shiite Jurisprudence. Quran and Medicine 2022; 6 (4) :18-25. (Persian)
4. The information base of the Supreme Leader Ayatollah Khamenei office <https://www.leader.ir/fa/book/151?sn=22095>.2022. (Persian)
5. Makarem Shirazi N. Medical rules. First edition, Qom: School Publications of Imam Ali Ibn Abi Talib (PBUH)); 2008. p. 175. (Arabic)
6. Holy Quran. (Arabic)
7. Hilli H. Tahrir al-Ahkam al-Sharia' A'la Madhab al-Imamia. Qom: Imam Sadiq (PBUH) Institute; 1999. 2 c. P. 242. (Arabic)
8. Amali M. Wasa'il al-Shia. First Edition. Qom: Ahl al-Bayt Institute, peace be upon him; 1409. Volume 27, 29, 17, 18, 26. Pages 67, 171, 52-56, 166, 32, and 14. (Arabic)
9. Hoseini, S. M., Borhani, M. The Reason of Following the La. Journal of Philosophical Theological Research, 2010; 11(43-44): 239-260. doi: 10.22091/pfk.2010.166. (Persian)
10. Makarem Shirazi N. consultations (on a point of law). second edition. Qom: School Publications of Imam Ali Ibn Abi Talib (PBUH)); 2006. C1. P. 23. (Arabic)
11. Sheikh Alwan N. Divine Openings and Unseen Openings: Explaining Quranic Words and Al-Furqan ruling. First chap. Egypt: Dar Rakabi for publishing. 1999; C1, pp. 68 and 150.
12. Tabatabaei M. Translation tafsir al mizan. printing 5. Qom: The Society of Teachers of Qom Theological Seminary, Islamic Publications Office. 1995; C 2, 4 and 17. pp. 93, 504-505, 501, and 612. (Persian)
13. Makarem Shirazi N. Tafsir Nemuneh. printing 10. Tehran: Darussalam Books. 1992; vol. 2, 3, and 4. pp. 36, 335, 111, and 175. (Persian)
14. Tabarsi F. Majma' al-Bayan fi-Tafsir. second edition. Qom: Islamic Publication Foundation. 1992; C 1. p. 127. (Arabic)
15. Jorjani A. Interpretation of the Shahi Ā yā t al-' Aḥ kā m. First chap. Tehran: Navid. 1983; C 2. pp. 135 and 133. (Persian)
16. Hashemi Khoi M H. Minhaj Al-Bara'ah explaining Nahj Al-Balaghah. printing 4. Tehran: Islamic Library. 2021; C 9. p. 118. (Persian)
17. Tabarsi F. Tafsir of Jamaat al-Jama'i. First Edition. Qom: Qom Scientific Field. 1991; Volume 1. Page 106. (Arabic)
18. Faiz Kashani M. Tafsir Al-Safi. second edition. Tehran: Sadr Library. 1994; Volume 1. Page 226. (Arabic)
19. Tayyeb A. Atib al-Bayan in Tafsir al-Qur'an. second edition. Tehran: Islam. 1990; Volume 2 and 4. Pages 344 and 245-246. (Persian)
20. Mazandarani Kh. Khajoei M. Jame Al Shatt. First Edition. Qom: Islamic publishing office affiliated with the teachers community of Qom seminary. 1997; P. 30. (Arabic)
21. Abolfatuh Razi H. Ruz al-Jannan and Ruh al-Jannan in Tafsir al-Qur'an. First Edition. Mashhad: Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation. 1986; C17. P. 90. (Arabic)
22. Bojunordi S. H. Jurisprudence rules. Edition 7. Qom: Al-Hadi Publications. 1998. C7. P. 334. (Arabic)
23. Khurasani M. Kifayat al-Usul. First Edition. Qom: Institute Ahl Al Bayt Peace Be Upon Them. 1988; P. 309. (Arabic)
24. Shaikh Ansari Dezfuli M. Jurisprudential treatise. First Edition. Qom: World Congress honoring Sheikh Azam Ansari. 1993; P. 116. (Arabic)
25. Naraghi A. epistles and issues. First Edition. Qom: Naraghi Congress Mullah Mehdi and Mullah Ahmad. 2001; C2. P. 324. (Arabic)

26. Mohaghegh Damad Yazdi S.M. The rules of jurisprudence. 12th edition. Tehran: Publishing Center of Islamic Sciences. 1985; C1. P. 131. (Arabic)
27. Mohammadi A. Description of disquisitions. The seventh edition. Qom: Dar AlFikr. 2008; C4. P. 387. (Persian)
28. Islamic information and documents center. Dictionary of Principles of Fiqh. First Edition. Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture. 2010; P. 622. (Persian)
29. Bojunordi S. M. Jurisprudence rules. The third edition. Tehran: Aruj Institute. 1980; C1. pp. 253 and 358. (Arabic)
30. Tabarsi F. Majma' al-Bayan fi-Tafsir al-Qur'an. Third edition. Tehran: Nasser Khosrow. 1993; C3. P. 162. (Persian)
31. Baghizadeh M. J. Omid Fard A. The necessity of preserving the system and preventing its disruption in Imamiyyah jurisprudence, shiitestudies Quarterly, 2014; 12(47). 170-200. (Persian)
32. Shehabi M. Periods of Jurisprudence. The fifth edition. Tehran: Ministry of Culture and Guidance. 1996; C1. P. 62. (Arabic)
33. Golpaygani S. M. R. The book of witnesses. second edition. Qom: Dar al-Qur'an al-Karim. 1988; C3. P. 214. (Arabic)
34. A group of researchers under Shahroudi S.M. The culture of jurisprudence according to the religion of the Ahl al-Bayt, may peace be upon them. First Edition. Qom: Islamic jurisprudence encyclopedia institute on the religion of the Ahl al-Bayt, may peace be upon them. 2005; C1. P. 451. (Arabic)
35. Maghnia M. J. Translation of Tafsir Kashif. The first edition. Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office of Qom Theological Seminary. 1999; C2. P. 733. (Persian)